

توحید

از نگاه وحی، فلسفه و عرفان

آیت الله سید جعفر سیدان

توحید از نگاه وحی، فلسفه و عرفان

آیت الله سید جعفر سیدان

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۱

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پرتو شمس

چاپ: نگارش

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۳۹۷ - ۷۸۳ - ۲

تلفن و نمابر: ۷۷۳۳۴۱۳ - ۷۷۳۴۹۸۸ (+۹۸۲۵۱)

قم، صندوق پستی: ۳۷۱۳۵ - ۱۱۵۳

www.Dalilema.com

Dalilema@yahoo.com

پیامک انتشارات ۷۷۴۴۹۸۸-۱۰۰۰۰

انتشارات دلیل ما

مراکز پخش: ۷۷۳۷۰۰۱ - ۷۷۳۷۰۱۱ - تلفن ما، فروشگاه دلیل ما، ۷۵۹، جلاک ۳۸، جلاک ۷۵۹، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۰۱ - ۷۷۳۷۰۱۱
(۱) قم، خیابان صفائیه، روبروی کوچه ۳۸، جلاک ۷۵۹، فروشگاه دلیل ما، ۷۵۹، جلاک ۳۸، جلاک ۷۵۹، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۰۱ - ۷۷۳۷۰۱۱
(۲) تهران، خ انقلاب، خ فخرآباد، فروشگاه دلیل ما، ۷۵۹، جلاک ۳۸، جلاک ۷۵۹، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۰۱ - ۷۷۳۷۰۱۱
(۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۰۱ - ۷۷۳۷۰۱۱

سرشناسه: سیدان، جعفر، ۱۳۹۱ -
عنوان و نام پدیدآور: توحید از نگاه وحی، فلسفه و عرفان / جعفر سیدان
مشخصات نشر: قم: دلیل ما، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص.
شابک: 978-964-397-783-2
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
موضوع: توحید
موضوع: توحید -- فلسفه
موضوع: خداشناسی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ت ۹ ۳۷ س / ۴ / ۲۱۷ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۰۸۳۳۸

فهرست

پیش‌گفتار	۱۱
زندگی علمی آیت الله سیدان	۱۱
مبانی فکری و روشی	۱۲
نسبت تفکیک با کلام	۱۵
نقد فلسفه	۱۷
اختلافات معارف دینی با آموزه‌های فلسفی	۲۰
آموزش فلسفه	۲۲
آثار علمی آیت الله سیدان	۲۵
الف. کتاب‌ها	۲۵
ب. تقریرات دروس	۲۶
ج. مقاله‌ها	۲۷
د. تعلیقات	۲۷
ه. گفت‌وگوها	۲۸
اثر حاضر	۲۹

بخش اول: کلیات

اهمیت مباحث اعتقادی	۳۳
---------------------	----

۳۴	مقام والای عالمان به مسائل اعتقادی نزد ائمه علیهم السلام
۳۵	لزوم تخصّصی کردن مباحث اعتقادی
۳۶	روش صحیح بررسی مباحث اعتقادی
۴۱	دو نکته درباره روایات اعتقادی
۴۱	عدم ترادف فلسفه با عقل
۴۳	کشف و شهرد عرفانی و تأویل
۴۴	فلسفه، عرفان و وحی از نظر علامه طباطبائی
۴۸	ملاهادی سبزواری و عدم نیاز فلسفه به وحی
۴۹	محدوده عقل و عدم معارض آن با وحی

بخش دوم: نسبت میان خالق و مخلوق

۵۵	فصل اول: نظریه بینونت
۵۵	دلایل نظریه بینونت
۵۶	الف. دلیل عقلی
۵۶	ب. دلایل نقلی
۵۶	آیات
۵۸	روایات
۶۷	فصل دوم: نظریه سنخیت
۶۷	دلایل نظریه سنخیت
۶۸	الف. دلایل عقلی
۶۸	۱. سنخیت موجب استواری نظام آفرینش
۷۰	۲. اطلاق برخی الفاظ به یک مفهوم بر خدا و خلق
۷۳	۳. قاعده «مُعْطِي الشَّيْءِ لَيْسَ فَاقِدًا لَهُ»
۷۴	۴. آیه بودن کائنات برای خدا
۷۴	ب. دلایل نقلی

آیات.....	۷۴
روایات.....	۷۶
توالی فاسد نظریه سنخیت.....	۷۹
۱. اجتماع نقیضین.....	۷۹
۲. تنافی با توحید.....	۸۰
فصل سوم: نظریه عینیت.....	۸۱
تثبیت نسبت عینیت به عرفان اصطلاحی.....	۸۳
۱. عینیت در المشاعر و اسفار.....	۸۳
۲. عینیت در کلام شارحان اسفار و فصوص الحکم.....	۸۵
۳. عینیت در کتاب درسیهای از نهج البلاغه.....	۹۲
۴. عینیت در بیان شهید مطهری.....	۹۳
۵. عینیت در کتاب علی بن موسی الرضا علیه السلام و الفلسفة الالهية.....	۹۴
۶. عینیت در کتاب روح مجرد.....	۹۶
۷. عینیت در تفسیر بیان السعادة.....	۹۷
۸. عینیت در بیان آیت الله حکیم.....	۹۹
۹. عینیت در بیان علامه جعفری.....	۱۰۰
۱۰. عینیت در بیان شیخ محمد تقی آملی.....	۱۰۱
دلایل نظریه عینیت.....	۱۰۵
الف. دلایل عقلی.....	۱۰۵
۱. غیریت* و تحدید ذات.....	۱۰۵
۲. قاعده «بَسِيطُ الْحَقِيقَةِ كُلُّ الْأَشْيَاءِ».....	۱۰۷
۳. علم حضوری خدا بر خلق.....	۱۰۹
ب. دلیل نقلی.....	۱۰۹
معنای اول، آخر، ظاهر و باطن در روایات.....	۱۱۱

بخش سوم: فاعلیت و علیت خداوند متعال

۱۱۹	فصل اول: نظریه فاعل مختار.....
۱۱۹	معنای فاعل مختار بودن خداوند.....
۱۲۰	دلایل فاعل مختار بودن خداوند.....
۱۲۰	آیات.....
۱۲۲	روایات.....
۱۲۷	فصل دوم: نظریه علت تامه.....
۱۲۷	فاعلیت خداوند در نگاه فیلسوفان.....
۱۲۸	معنای علت در فلسفه و کلام.....
۱۳۱	آیت الله خوئی و نظریه علت تامه.....
۱۳۴	ضرورت صدور معلول از علت و معنای آن.....
۱۳۵	توالی فاسد نظریه علت تامه.....
۱۳۵	۱. مجبور بودن خدا.....
۱۳۷	پاسخ فلاسفه به اشکال جبر.....
۱۳۹	اشکال آیت الله خوئی بر معنای فلسفی اختیار.....
۱۴۰	پاسخ دیگر فلاسفه به اشکال جبر.....
۱۴۰	نقض پاسخ اخیر فلاسفه.....
۱۴۱	۲. سنخیت میان خالق و مخلوق.....
۱۴۲	۳. قدم عالم.....

بخش چهارم: حدوث عالم

۱۴۷	علیت و قدم عالم.....
۱۴۸	معنای قدیم و حادث زمانی و ذاتی.....
۱۴۹	نظریات در حدوث عالم.....
۱۴۹	نظریه یکم: حادث بودن حقیقی ماسوی الله.....

الف. دلایل نقلی.....	۱۵۰
آیات.....	۱۵۰
روایات.....	۱۵۲
روایات به ظاهر معارض با حدوث عالم.....	۱۵۸
ب. دلیل عقلی.....	۱۶۱
ج. نظریه‌ری علمی درباره ضروری بودن حدوث عالم.....	۱۶۲
شیخ محمد تقی آملی.....	۱۶۲
علامه مجلسی.....	۱۶۳
شیخ انصاری.....	۱۶۴
نظریه دوم: قدیم زمانی و حادث ذاتی بودن ماسوی الله.....	۱۶۵
انفکاک معلول از علت نامیه.....	۱۶۵
قطع فیض از ناحیه خدای تعالی.....	۱۶۶
نظریه سوم: قدیم زمانی و حادث ذاتی غیر حادثات و حدوث زمانی عالم ماده.....	۱۶۷
معنای حرکت در جوهر.....	۱۷۲
نقد و بررسی نظریه سوم.....	۱۷۳
نظریه چهارم: حدوث اسمی ماسوی الله.....	۱۷۶
نظریه پنجم: حدوث دهری ماسوی الله.....	۱۷۹

فهرست‌ها

فهرست آیات.....	۱۸۴
فهرست احادیث.....	۱۸۷
فهرست اشخاص.....	۱۹۰
فهرست کتاب‌ها.....	۱۹۳
فهرست موضوعات.....	۱۹۵
کتابنامه.....	۲۰۴

پیش‌گفتار

«توحید» از اساسی‌ترین موضوعات اعتقادی به شمار می‌آید، به گونه‌ای که می‌توان آن را باب ورود به معارف اعتقادی دانست. از این رو فهم صحیح آن می‌تواند در بسیاری از حوزه‌های معارفی دیگر راه‌گشا باشد. یکی از راه‌های مؤثر در شناخت این رکن اعتقادی مهم، بررسی اختلاف‌مشارب مختلف علمی در آن است. بر این اساس آیت الله سیدان در این نوشتار مسئله توحید را از سه رویکرد غالب در مکاتب معارفی؛ یعنی وحی، فلسفه و عرفان تبیین نموده‌اند. در این مقدمه برآنیم تا ضمن اشاره به زندگی علمی آیت الله سیدان، اندکی با مبانی فکری و روش ایشان آشنا شویم. در ادامه نیز نگاهی به آثار ایشان و اثر پیش روی کنیم.

زندگی علمی آیت الله سیدان^۱

آیت الله سید جعفر سیدان در اواخر سال ۱۳۱۳ شمسی در مشهد دیده به جهان گشود. پس از فراگیری ادبیات فارسی در مکتب‌خانه، دروس ادبیات عرب، معانی و بیان را نزد ادیب ثانی؛ معالم، قوانین و شرح لمعه را نزد حاج میرزا احمد مدرّس؛ و رسائل

۱. زیست‌نامه علمی آیت الله سیدان در مقدمه گفت‌وگو با ایشان با عنوان «مکتب تفکیک یا روش فقهای امامیه» با تنظیم آقای علی ملکی میانجی در اندیشه حوزه، سال پنجم، شماره سوم (آذر و دی ۱۳۷۸)، ص ۶۷ و نیز در پایگاه اختصاصی ایشان با تفصیل بیشتر آمده است.

و مکاسب و کفایه را نزد حاج شیخ هاشم قزوینی آموخت. همچنین دروس خارج فقه و اصول را در مدت نزدیک به هشت سال از محضر آیت الله میلانی بهره برد. همین طور دروس فلسفه شامل شرح منظومه، شرح اشارات، اسفار، مشاعر و نیز دروس معارف اهل بیت علیهم السلام و اخلاق را از محضر پرفیض آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی رحمته الله فرا گرفت و در زمره شاگردان شاخص و بارز آن بزرگوار درآمد.^۱

آیت الله سیدان سال هاست که در حوزه علمیه مشهد به تدریس و تربیت شاگرد مشغول است و در مجامع علمی و کرسی های نظریه پردازی حوزوی و دانشگاهی شرکت می کند و تاکنون با افراد متعددی از گروه های فکری مختلف به گفت و گو و مناظره پرداخته است.^۲

مبانی فکری و روشی

آیت الله سیدان از نظر فکری به مکتب معارفی مرحوم میرزا مهدی اصفهانی تعلق دارد که به مکتب معارفی خراسان یا مکتب تفکیک نامبردار گشته است.^۳ ایشان مبانی

۱. میان آیت الله سیدان و استادش حاج شیخ مجتبی قزوینی رحمته الله رابطه نزدیکی پدید آمده بود. ایشان در قسمتی از خاطراتشان چنین نقل می کنند: منظومه، مشاعر، قسمتی از اسفار و اشارات را تا نمط نهم نزد ایشان خواندم. ایشان به جهات خاصی نمط دهم را نمی خواندند. حدود هفت یا هشت نفر در درس اشارات ایشان شرکت می کردند. در طول دوره تدریس اشارات به تدریج از تعداد شاگردان ایشان کاسته می شد تا جایی که ایشان جلسه را فقط با بنده تشکیل می داد. ایشان در جلسه آخر با کتابی که در دست داشتند وارد شدند و به من فرمودند: به هنگام شروع درس اشارات مرحوم آقا بزرگ شهیدی که از مشاهیر فلسفه مشاء بودند - جمعیت به قدری بود که حتی در محل هیزم های بخاری نیز می نشستند. در طول درس به تدریج از جمعیت کاسته شد تا جایی که بنده ماندم و مرحوم شهیدی. روز آخر ایشان کتاب اشارات مخطوطی را آوردند و فرمودند من برای کتاب حاشیه نوشته ام و حال که فقط شما مانده اید این کتاب را به شما هدیه می کنم. مرحوم شیخ مجتبی قزوینی هم آن کتاب را به بنده هدیه کردند. متأسفانه این کتاب توسط موربانه از بین رفت. (سمات، سال اول، شماره ۲، تابستان ۸۹، ص ۱۲۶).

۲. از جمله علامه طباطبائی، دکتر مهدی حائری یزدی، استاد محمد تقی شریعتی، آیت الله جوادی آملی (در باب معاد جسمانی) و دکتر عبدالکریم سروش (در باب کثرت گرایی دینی).

۳. از نظر آیت الله سیدان چون این مکتب تأکید دارد که مسائل اعتقادی باید از تعالیم پیامبر اکرم و اوصیای

و تعالیم مکتب میرزا را از طریق استاد خود مرحوم شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت و اینک با جدیت تمام به عرضه آن مبانی معارفی و نقد اندیشه‌های فلسفی و عرفانی اهتمام می‌ورزد و با شکیبایی تمام به پرسش‌ها و نقدها پاسخ می‌دهد. همچنین در مناظرات پرشماری که حضور یافته، آیین ادب و دانش و اخلاق را به شایستگی رعایت کرده است. با توجه به این‌که در این مقدمه نمی‌توان از آموزه‌ها و روش علمی تفکیک به تفصیل سخن گفت، برخی از مباحث مهم آن را با عنایت به دیدگاه استاد سیدان گزارش می‌کنیم.

آیت الله سیدان در تبیین کلیت مکتب تفکیک بر آن است که معارف و حیانی که رسول خدا ﷺ آورده‌اند، تکرار مطالب گذشتگان و توضیح معارف بشری نیست، بلکه سخنان آن حضرت بیانگر حقایق و سنخ دیگری از معارف است؛ یعنی در مرتبه‌ای بالاتر، راهی نور را در رسیدن به حقیقت به روی بشر گشوده که سابقه نداشته است و در آینده هم کسی راهی مثل آن نخواهد آورد. از همین جهت است که از ابتدای بعثت و نزول قرآن، میان تعالیم اعتقادی رسول خدا ﷺ و آموزه‌های بشری تفکیک و جدایی بوده است.

اهل معرفت نیز از صحابه پیامبر ﷺ و سپس اصحاب اهل بیت  که به عقل خویش حقانیت معارف الهی ایشان را دریافته بودند، از آموزه‌های بشری مغایر با آموزه‌های و حیانی کناره می‌گرفتند. بدین‌گونه پیشینه واقعیت تفکیک؛ یعنی ناهمسان‌انگاری معارف الهی با معارف بشری، با ظهور اسلام و آغاز بعثت رسول خدا ﷺ گره خورده است.^۱ بر این اساس روش مکتب تفکیک همان

← ایشان  اخذ شود، از این رو این مکتب را مکتب معارف اهل بیت  نامیده‌اند. تسمیه این مکتب به «مکتب معارفی خراسان» هم از این باب است که در دوران اخیر در مشهد مقدس همت بیشتری در جهت تبیین این حقایق صورت گرفته است. نام «مکتب تفکیک» هم از آن جهت اطلاق شده است که صاحبان این مکتب بر تفکیک و جداسازی معارف و حیانی از معارف بشری و پرهیز از التقاط و تأویل و تفسیر به رأی، تأکید می‌ورزند. (سمات، سال اول، شماره ۲، تابستان ۸۹، ص ۱۱۵).

روش اصحاب ائمه علیهم السلام و فقهای امامیه در فهم معارف حقه بوده و از این جهت دیدگاه جدیدی نیست. اما از نگاه دیگر، استفاده از وحی از نظر کمّی و کیفی در حوزه معارف خراسان از زمان مرحوم میرزا مهدی اصفهانی به این سو وسیع تر و دقیق تر شده است.

از نظر استاد سیدان مکتب تفکیک با جریان کلام سنتی نیز تمایزاتی دارد. بدین بیان که همه گروه‌هایی که در میان مسلمانان پرورش یافته‌اند و مسلمان شمرده می‌شوند، به دور طبعی اندیشه‌های خود را به وحی منتسب می‌سازند تا استنادی از وحی برای مطالب خود داشته باشند، اما نکته مهم این است که باید مکاتب مختلف (فلسفه، عرفان و کلام) به صورت دقیق مورد بررسی قرار گیرند تا معلوم شود که این گروه‌ها در عمل تا چه حد به وحی اعتنا کرده‌اند. بسیاری از نوشته‌های موجود از صاحبان این مکاتب حاکی از آن است که این گروه‌ها در بیشتر موارد بر پایه داده‌ها و یافته‌های خود پیش رفته‌اند و ورود و خروجشان در مسائل اعتقادی کاملاً متأثر از مبانی فکریشان است.

برای مثال بسیاری از کسانی که مشی فلسفی دارند، در تبیین مسائل دینی از تفکر فلسفی و آراء فیلسوفان پیش از اسلام بهره می‌گیرند و معارف الهی اسلام را بر اساس همان مبانی پی‌ریزی می‌کنند، آنگاه برای تثبیت نظرات خود به آیه یا حدیثی استشهاد می‌کنند. همچنین عارفان با مبانی خاص عرفانی خود معارف و حیانی را دنبال کرده‌اند. لذا در واقع مکاتب یادشده، در عمل به وحی اعتنایی نداشته‌اند و به مطالب برجسته‌ای که به روشنی از وحی قابل استفاده است توجه نکرده‌اند، بلکه برای تثبیت مبانی و استشهاد بر مطالب خود، به عبارات متشابه و بیانات ذووجوه و گاه به روایاتی که هیچ‌گونه سندیتی ندارد، تمسک جسته‌اند. بنابراین برخی از مبانی اندیشه فیلسوفان و عارفان مسلمان بر پایه آنچه از کتاب و عترت استفاده می‌شود، استوار نیست.

نسبت تفکیک با کلام

آیت الله سیدان برآنند که از میان سه گروه فیلسوفان و عارفان و متکلمان، گروه اخیر با تفکیکیان قرابت بیشتری دارند؛ چرا که متکلمان کوشیده‌اند دفاعی عقلانی از وحی ارائه دهند. اما قرار دادن تفکیکیان در زمره متکلمان اصطلاحی نیز صحیح نیست؛ یعنی هرچند که این دو گروه در اصل هدف اشتراک دارند، اما در روش و برخی مسائل خاص با هم اختلاف دارند.

ایشان وجه تمایز معارفیان با متکلمان را این‌گونه بیان کرده است:^۱ از آغاز شکل‌گیری کلام مشاهده می‌کنیم که اکثر متکلمان علی‌رغم ادعای خود مبنی بر استفاده از عقل و نقل، در بهره‌گیری از معارف اهل بیت علیهم‌السلام کاملاً ضعیف عمل کرده‌اند و بلکه گاه اعتنایی به این جهت نداشته‌اند. این گروه بیشتر بر عقل و دانش‌های مرسوم زمان که گاه از فلاسفه غیر مسلمان گرفته شده بود، تکیه داشتند و علی‌رغم این‌که به قرآن و سنت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم مراجعه می‌کردند، ولی در تبیین قرآن و کلام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شخصیت‌های علمی‌ای که از سوی پیامبر اکرم به عنوان حجت الهی معرفی شده بودند، مراجعه نمی‌کردند. در نتیجه به دلیل عدم بهره‌مندی از تعالیم مبینان راستین کتاب و سنت، در استفاده از محکی وحی هم ناتوان بوده‌اند.

الزامات و اقتضائات کلامی نیز در فرآیند علمی و نتایج فکری متکلمان اثرگذار بوده است. متکلمان از آنجاکه در مواجهه اعتقادی با مخالفان بودند، عباداً در استفاده از نقل در مسیر صحیح قرار نگرفتند، از این رو تفاوت‌هایی در مبانی متکلمان و تفکیکیان پدید آمد. لذا نمی‌توان تفکیکیان را دنباله رو متکلمان دانست. در مکتب وحی ثابت شده است که در تبیین حقایق و مطالب و حیانی، رجوع علمی به اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان آموزگاران این مکتب بایسته است؛ چرا که فقط ایشان توانسته‌اند محتوای

رسالت را به درستی تبیین کنند. بنابراین پاسداری از معارف رسالت تنها با مراجعه به معارف اهل بیت علیهم السلام و بهره گیری کامل از آن برای ما امکان پذیر می شود.

آنچه تفکیکیان را از اصحاب کلام جدا می کند، همین جهت گیری متکلمان شیعه در مقابل فرق دیگر است. به عبارت دیگر، فقهای امامیه نسبت به استفاده از تعالیم اهل بیت علیهم السلام اهتمام بیشتری داشتند، اما متکلمان در آموزه های کلامی مانند فقها در مطالب فقهی عمل نکردند، بلکه آن ها سعی شان این بود که در برابر مخالفان جبهه گیری کنند، به همین جهت نمی توان روش تفکیکیان را با متکلمان یکی دانست، اما می توان گفت همان روش فقها در فقه، یعنی تعقل در آیات و روایات فقهی را تفکیکیان در متون دینی معارفی دنبال می کنند. البته روشن است که میان تعقل و اجتهاد در اصول با فروع تفاوت هایی وجود دارد، اما آنچه میان آن ها مشترک است، تلاش برای فهم دقیق پیام الهی بدون وارد کردن اندیشه های بیگانه است.

از منظری دیگر باید میان «عقلانی کردن وحی» با «تعقل در وحی» تمایز قائل شد. روش متکلمان اصطلاحی، برهانی کردن و معقول سازی مطالبی است که از طریق وحی به ما رسیده است؛ یعنی متکلمان می کوشند مباحث مختلف وحیانی را در قالب برهان و استدلال عرضه کنند، ولی هدف اصلی مکتب تفکیک این است که همچون فقها با قدرت عقلانی از منبع وحی استفاده کند. البته اگر در مواردی هم به بحث و استدلال نیاز بوده، به این جهت نیز پرداخته اند. بر این اساس، آنچه که با عقل بین در تعارض باشد مورد پذیرش نخواهد بود، اما در وحی هرگز چیزی که مخالف عقل باشد وجود ندارد، بلکه ممکن است بسیاری از مطالب وحی فراتر از درک عقل باشد.

چنان که یاد شد روش تفکیکیان با متکلمان متفاوت است؛ چرا که اکثر متکلمان مطرح در طول تاریخ از معارف اهل بیت علیهم السلام کمتر بهره گرفته اند، اما بیشترین همت مکتب تفکیک بر استفاده از معارف اهل بیت علیهم السلام بوده است. البته در مکتب تفکیک بر ارائه معقول و مستدل معارف تأکید می شود؛ زیرا معارف کتاب و سنت عقلانی ترین و روشن ترین بیان از حقایق الهی است، اما نکته مهم این است که چه چیزی را عقلانی می دانیم؟ کسانی که

در شناخت حقایق و استنباط آموزه‌های اعتقادی از متن دین تلاش لازم را نکرده باشند، در مرحله تبیین هم به آرائی تمسک می‌کنند که نتیجه‌اش گاه با آموزه‌های وحیانی هماهنگ نیست. در عرصه پاسخ‌گویی به شبهات دینی هم باید گفت که تفکیکیان بر پاسخ‌گویی مناسب به شبهات دینی اهتمام ورزیده‌اند، که در جای خود می‌بایست بدان پرداخت.

نقد فلسفه

بوعلی سینا در الهیات شفا با حکمت شمردن فلسفه اولی، آن را «العلمُ باوِلُ الأمورِ فی الوجودِ وَهُوَ العِلَّةُ الأولى وَأَوَّلُ الأمورِ فی العمومِ وَهُوَ الوجودُ وَالْوَحْدَةُ»^۱ تعریف کرده است. ملاصدرا نیز در اسفار تعریف زیر را از فلسفه ارائه می‌کند:

أَعْلَمُ أَنَّ الفِلسَفَةَ استكمالُ النفسِ الإنسانيةِ بمعرفةِ حقائقِ الموجوداتِ على ما هي عليها، والحكمُ بوجودِها تحقيقاً بالبراهينِ لا أخذاً بالظنِّ و التقليدِ بقدرِ الوُسْعِ الإنسانيِّ وإلّا شئتَ قلتَ: نظمُ العالمِ نظاماً عقلياً على حسبِ الطاقةِ البشريةِ ليخْضُلَ التشبُّهُ بالباريِّ جلَّ ذِكْرُهُ^۲؛

بدان که فلسفه استكمال نفس انسانی است با شناخت حقایق موجودات، آن‌گونه که هستند؛ و حکم به وجود آن‌هاست به اندازه توانایی انسان، بر پایه تحقیق با براهین، نه اخذ به ظن و تقلید. و اگر خواستی بگو: نظام عقلی عالم بر حسب طاقت بشری تا همانندی به باری جل ذکره حاصل شود.

این روش به صورت مستقل و بدون این‌که نفی و اثباتی نسبت به مکاتب دیگر داشته باشد، به دنبال شناخت حقایق هستی با سیر عقلانی است. آیت الله سیدان با صحه

۱. ابن سینا، الهیات الشفاء، قاهره: چاپ دکتر ابراهیم مدکور، ۱۳۸۰ هـ.ق، ص ۱۵؛ علم به اوّل امور در وجود که علت اولی است و اوّل امور در عموم که وجود و وحدت است.

۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۲۰. برای تعریف دیگری از وی ر. ک: صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول الکافی، محمد خواجوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱، ص ۳۵۸.

گذاردن بر کلیت این روش - یعنی استفاده از عقل و مبدأ بودن حرکت عقلانی برای رسیدن به حقایق و بررسی جهان هستی - و تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از نور عقل و پایه‌ای بودن حرکت عقلانی، بر آن است که در این حوزه از دو نکته بسیار مهم و حیاتی نباید غفلت ورزید:

نخست این که دایره روشنگری عقل - به حکم خود عقل - و به تصریح عالمان علوم عقلی، کاملاً محدود است و نباید انتظار داشت که انسان با عقل خود بتواند همه حقایق را درک کند. نکته دوم این که هرگاه با نور عقل به منبعی رسیدیم که به حکم عقل بسیار وسیع، صحیح، خطاناپذیر و پر اهمیت است، باید به چنین منبعی توجه کرده، از آن - بر اساس ضوابط خاص خودش - استفاده کنیم. به عبارت دیگر در بررسی مسائل و جستجوی حقایق نباید تنها به عقل، که دایره مکشوفات آن محدود است، اکتفا کرد. پس اگر مراد از فلسفه، تفکر و بهره‌گیری از عقل باشد، هیچ مخالفتی با این معنا وجود ندارد. همچنین در این که در شناخت جهان و هستی باید از خرد و اندیشه بهره برد، تردیدی وجود ندارد. سخن اصلی این است که آنچه به عنوان فلسفه مشهور شده و هم‌اکنون تعلیم و تعلم می‌شود به این نکات بی‌توجه بوده و از این رو به مسیر انحراف رفته است. به عبارت دیگر یک مسئله این است که فلسفه به معنای تعقل مورد قبول است یا خیر، و مسئله دیگر درستی یا نادرستی تعقل در فلسفه مصطلح است. پرسش جدی‌تر این است که آیا کسانی که به این عنوان نامیده شده‌اند، در عمل بر همین اساس حرکت کرده‌اند؟

اگر کسی بر اساس تعقل حرکت کند، چاره‌ای جز تسلیم در مقابل وحی ندارد؛ چرا که اصل وحی با تعقل اثبات می‌شود؛ هر چند که عقل به محتوای آن احاطه کامل پیدا نکند. بنابراین هرگاه مطالب منسوب به وحی با تعقل روشن تضادی نداشته باشد، بعد از پذیرش «اصل وحی» آن مطالب هم باید پذیرفته شود. حال اگر جمعی مدعی شوند که ما فقط چیزی را که در حیطه عقل ما قرار می‌گیرد می‌پذیریم، مطلبی را که فراتر از عقل باشد نخواهند پذیرفت، حتی اگر مطلب مربوط به کسی باشد که با وحی در ارتباط

است. ما شاهدیم که گروهی در تاریخ به نام فلسفه و تعقل عملاً در معرفت خود هیچ‌گونه حجتی برای وحی که به عقل ثابت شده است، قائل نیستند و اگر به منابع و حیانی مراجعه می‌کنند، در صدد شاهد گرفتن برای دریافت‌های عقلی و ذهنی خود هستند. حاصل آن‌که فلسفه اسلامی موجود از دو منظر «روشی» و «محتوایی» دارای اشکال است. اشکال روشی فیلسوفان، نادیده گرفتن وحی و آموزه‌های و حیانی است. فلاسفه در عمل صرفاً به عقل خود تکیه می‌کنند که روشی نادرست است؛ زیرا وقتی عقل به وحی می‌رسد، به حقانیت و بهره‌گیری از آن حکم می‌کند. اشکال دوم در «محتوا» و آراء عرضه شده از سوی فلاسفه است. در حوزه اشکال محتوایی فلسفه دو مطلب پراهنیت وجود دارد: نخست آن‌که براهین و ادله بسیاری از مسائل فلسفه بر اساس خود مبانی فلسفی مخدوش است. تضاد و نفی و اثبات در بین فلاسفه گواه خوبی بر همین موضوع و به معنای آن است که بسیاری از استدلال‌های فلاسفه از نظر عقلی مخدوش است.

به عبارت دیگر اشکال در برهان بودن ادله فلاسفه است؛ زیرا چنان‌که خود فلاسفه اذعان دارند، برهان باید بر مسائل بدیهی مبتنی باشد و اگر براهین فلسفه دارای این ویژگی بودند، هرگز در مسائل مهم و اساسی اختلافی در میان آن‌ها پدید نمی‌آمد. لذا همین اختلاف حاکی از آن است که ادله و براهین فلسفی بر مسائل بدیهی مبتنی نیست. البته این سخن ادعایی است که به صورت اشاره از آن می‌گذریم، ولی این ادعا با بررسی موارد مختلف به خوبی ثابت می‌شود.

به عنوان مثال در مباحثی که بین ملاصدرا و ابن سینا اختلاف است، ملاصدرا استدلال ابن سینا را مخدوش می‌کند. همچنین وقتی ابن سینا مطالبی بر خلاف حکمت متعالیه دارد، در حقیقت ادله مطالب حکمت متعالیه را نابسنده یا باطل انگاشته است. از سوی دیگر با رجوع به وحی مشاهده می‌شود که در بسیاری از آموزه‌های اساسی و کلیدی، داده‌های روش فلسفی با آموزه‌های صریح و حیانی در تضاد است که در دنباله نوشتار، نمونه‌های آن خواهد آمد.

در بررسی‌های علمی باید توجه داشت که توهین به هیچ شخصیتی پذیرفته نیست، بلکه باید با حفظ حرمت همه اشخاص در جستجوی حقیقت بود؛ چراکه «الْحَقُّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ». البته لازم است ضمن احترام به اشخاص از شخصیت‌زدگی هم پرهیز شود. نقد علمی مطالب اشخاص به معنای توهین به آن‌ها نیست. توهین وقتی صدق می‌کند که فرد را به حدیث آگاهانه با اسلام متهم سازیم، اما بیان مخالفت مطالب اشخاص با آنچه که در وحی هست - با دلایل روشن - نه تنها توهین نیست، بلکه تکامل علمی و تولید معرفت به این تحقیقات وابسته است؛ «دراسة العلم لِقَاحُ المعرفة»^۱.

اختلافات معارف دینی با آموزه‌های فلسفی

آیت الله سیدان در شماری از آثار و گفت‌وگوهای خود فهرستی از اختلافات اساسی فلسفه اسلامی با مبانی برگرفته از تصویص دینی را ارائه کرده‌اند^۲ که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

یک: بر اساس مبانی فلسفه، حضرت حق با کائنات سنخیت دارد و این دو در اصل حقیقت مشترک هستند. عارفان پا را از این هم فراتر گذاشته و قائل به عینیت میان خالق و مخلوق شده‌اند و گفته‌اند در عالم فقط یک حقیقت هست، اما به اطرار مختلف مستطور است. در مقابل، وحی به روشنی از بینونت حضرت حق با کائنات حکایت دارد.

دو: فاعلیت حضرت حق در فلسفه به گونه‌ای ترسیم شده که صدور فعل از خداوند ضرورت می‌یابد. علیت یکی از قوانین مهم و اساسی در فلسفه مصطلح است. بر اساس این قانون حضرت حق علت تامه است و از معلول خود انفکاک می‌ندارد؛ در نتیجه صدور فعل از او ضروری است، اما بر اساس مکتب وحی خداوند

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، الجامعة لذکر اخبار الائمة الاطهار، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ

چهارم، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۱۲۸.

۲. برای تفصیل این مباحث رک: قزوینی، مجتبی، بیان الفرقان فی توحید القرآن، تعلیقات: سید جعفر سیدان، قم: دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۸-۵۹؛ جزوه «روش ما در گفت‌وگوهای علمی» از آیت الله سیدان.

متعال «فاعل تام» است و در فاعلیت خود حریت دارد. فعل خداوند معطوف به مشیت و اراده اوست. به عبارت دیگر، خداوند متعال علت تامه اصطلاحی نیست که صدور فعل از او واجب باشد.

سه: بر اساس مکتب وحی، علم حضرت حق با اراده او تفاوت دارد، اما در مبانی فلسفه، اراده با علم یکی است، لذا خداوند در حقیقت، اراده ندارد.

چهار: در مکتب وحی مسلم است که ماسوی الله مسبوق به عدم هستند و ابتدا دارند (لَمْ يَكُنْ فَكَانَ). این مطلب به قدری در وحی روشن و قطعی است که حتی بسیاری از شخصیت‌های پایمند به فلسفه اصطلاحی معترف‌اند که تلاششان در جهت توجیه این مسئله با حدوث ذاتی بی‌ثمر بوده است.

پنج: مطالبی که پیرامون مسئله «جبر و اختیار» در فلسفه و عرفان مطرح است، هرگز با آنچه که در وحی هست، شبیه ندارد. وحی به حقیقت، انسان را مختار می‌داند، اختیاری که به واسطه آن، بهشت و دوزخ، ثواب و عقاب، ارسال رسل، انزال کتب، تکلیف، امر و نهی و... معنا می‌یابد، اما در فلسفه اختیار به معنای مسبوق بودن فعل به اراده است، هر چند اراده کردن بنده به اختیار و حریت و سلطنت و اقتدار او صورت نگیرد.

شش: مسئله «بداء» نیز در وحی و فلسفه به دو صورت کاملاً متفاوت مطرح شده است. در حقیقت، فلسفه اصطلاحی بداء را مطابق آنچه شارع مقدس فرموده است قبول ندارد، در حالی که بداء در مدرسه اهل بیت علیهم‌السلام یکی از مهم‌ترین مسائل اعتقادی است.

هفت: در مسائل متعدد آموزه معاد نیز بین آنچه که از وحی استفاده می‌شود و آنچه که در حکمت متعالیه مطرح است، تفاوت بسیار روشن و آشکاری وجود دارد که برخی از فیلسوفان به آن معترف‌اند. برای مثال در حکمت متعالیه «بهشت و نعمت‌های بهشتی» منشأ نفس انسانی و قائم به آن دانسته شده است، اما مکتب وحی، بهشت و نعمت‌های آن - و نیز جهنم و عذاب‌های آن - را حقایق خارجی و آفریده خداوند می‌داند. در عرفان نیز گفته شده که «عذاب» از ریشه عَذَب (شیرینی

و گوارایی) است. مشی حکمت متعالیه در این جهت مختلف بوده است. در برخی موارد بر عذاب بودن عذاب اصرار شده است و در مواردی هم مسئله به گونه‌ای دیگر مطرح شده است، اما در هر صورت در این مسئله نیز بین مکتب وحی و حکمت متعالیه اختلاف زیادی وجود دارد. در مسئله «خلود در نار» هم بین مکتب وحی و حکمت متعالیه تفاوت آشکاری وجود دارد. موارد بسیاری از این قبیل وجود دارد و تک تک این موارد به تنهایی برای موضع‌گیری میان این دو مکتب کافی است.

آموزش فلسفه

با توجه به آنچه درباره اختلاف شماری از آموزه‌های بنیادین دینی با تعالیم فلسفی و ضرورت نقد فلسفه گفته شد، اکنون این پرسش ضروری است که درباره مقوله آموزش فلسفه چه موضعی باید گرفت؟ از منظر آیت الله سیدان آنچه در امر آموزش اهمیت دارد، «تفقه در دین» و اهتمام جلی بر فهم درست معارف اهل بیت علیهم‌السلام با مدد نور عقل است. همان‌طور که فقیه با دقت فراوان و رعایت مبانی اصولی به استنباط احکام می‌پردازد، لازم است طبق موازین و اصول استنباط اعتقادات، و با دقت بیشتر به فهم و استخراج معارف اعتقادی از متون دینی پرداخت. در این صورت تحصیل فلسفه و عرفان مشکل‌ساز نخواهد بود.

به عبارت دیگر، پیش از شکل‌گیری افکار و نفس انسان با اندیشه‌های بشری، اهتمام برای فهم معارف کتاب و سنت با دقت و تعقل ضروری می‌نماید. بدین‌سان تربیت عقلانی جامعه بر پایه علوم اهل بیت علیهم‌السلام از نفوذ و تأثیر اندیشه‌های نادرست و باورهای غیر دینی در ذهن مؤمنان جلوگیری می‌کند^۱ در نتیجه مطالعه و تحصیل

۱. چنان‌که در آیه ۱۰۵ از سوره مائده آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان بپردازید. هرگاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی‌رساند.

فلسفه و عرفان جهت آشنایی با افکار اندیشمندان بشر، اشکالی نخواهد داشت. البته گاه آموزش و مطالعه مبانی آن مکاتب ضرورت می‌یابد. آیت الله سیدان بر آن است که اصرار ما بر تلاش برای کسب معارف اهل بیت علیهم‌السلام و فهم روایات ایشان است، اما بر عدم تحصیل فلسفه اصراری نداریم؛ چرا که معتقدیم چنانچه معارف اهل بیت علیهم‌السلام در جامعه مطرح شود عموم متدینین به کمک نور عقل خود، تعالیم و حقانیت این معارف را دریافت خواهند کرد، نه صرفاً به جهت عصمت امامان علیهم‌السلام و تعبد در برابر سخنان ایشان، بلکه به ارشاد نور عقل و با تعقل.

به عبارت دیگر رجوع به اهل بیت علیهم‌السلام از باب «تَعَلُّمٌ مِنْ ذِي عِلْمٍ» است؛ زیرا ائمه اهل بیت علیهم‌السلام در بسیاری از موارد در میان مسائل اعتقادی دلیل مطلب را هم تبیین فرموده‌اند. مشکل ما و صاحبان عقل کل، کم توجهی، عدم رجوع جدی و سهل‌انگاری نسبت به فراگیری علوم اهل بیت علیهم‌السلام است.

متأسفانه برخی از عالمان پس از پی‌ریزی اعتقادات خود بر مبنای افکار بشری به معارف و حیانی مراجعه می‌کنند. اگر تحصیل فلسفه یا عرفان سبب شود که ذهن انسان با این مطالب به گونه‌ای صورت‌بندی شود که در مواجهه با قرآن و روایات توان درک مضامین حقیقی آن را نداشته باشد، قطعاً چنین آموزش‌هایی صحیح نخواهد بود.

البته باید توجه داشت که با کنار گذاشتن فلسفه، در امر پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی و اشکالات و شبهات منکران دین، خللی وارد نمی‌شود؛ زیرا در مواجهه با شبهات ملحدان و منکران توحید و نبوت باید از قواعد و مطالب روشن عقلانی بهره جست و بدیهی است که قواعد و روش‌های عقلی در انحصار فیلسوفان و کتب فلسفی نیست و همه عقلا از آن بهره‌مندند. این قواعد عام عقلانی تکیه‌گاه پاسخ‌گوی به مسائل و شبهات است. به عنوان مثال همه می‌پذیرند که معلول بدون علت پدید نمی‌آید. البته مراد علیّت اصطلاحی نیست، بلکه همان معنای عقلانی مورد نظر است؛ - محال بودن اجتماع نقیضین؛ اجتماع ضدین؛ بطلان تسلسل و دور و ده‌ها

قاعده عقلی دیگر، از جمله قواعد روشن عقلانی و مورد قبول عقلاست که با استناد به آن‌ها می‌توان بسیاری از مسائل را پاسخ گفت.

برخی میان این قواعد عقلانی با تفسیر و تعبیر فلاسفه از آن‌ها خلط می‌کنند. اتفاقاً سخن ما این است که بسیاری از مباحث فلسفی با همین قواعد عقلانی روشن سازگار نیست و از طریق همین قواعد عقلی، مدعیات فلاسفه و عرفا را نقد می‌کنیم.^۱ بنابراین برای پاسخ‌گویی به شبهات منکران و ملحدان هیچ نیازی به تحصیل فلسفه مصطلح نیست؛ مخالفت با فلسفه و عرفان هم به معنای مخالفت با قواعد عقلی نیست. افزون بر آن که اختلاف نتایج حاصل از مبانی و تعالیم فلسفه با معارف و حیانی در حوزه‌های مهمی چون توحید، خلقت، حدوث و قدم، جبر و اختیار، معاد و... با مکتب وحی مشهود است. از این روست که به جای پرداختن به مباحث ذهنی فلسفه و عرفان، چنان‌که شیعه امامیه^۲ بوده است، باید در جهت شکوفایی عقلی و تقویت ابعاد عقلانی انسان‌ها بکوشیم.

یکی از بهترین راه‌های تقویت و گسترش عقلانیت، برخورداری از راهنمایی‌ها

۱. ایشان در مصاحبه‌ای گفته‌اند: «بنده با منکران پروردگار از فشرده‌های مختلف بیشترین برخورد را داشته‌ام تا آنجا که فقهای برجسته نیز به دلیل اشتغالات فراوان علمی این افراد را به بنده ارجاع می‌دادند. بنده در مواجهه با این افراد، هرگز به آیات و روایات استناد نمی‌کردم، بلکه با همین قواعد روشن و بین عقلی با ایشان مباحثه می‌کردم و بحمد الله همواره موفق بوده‌ام. در یکی از مباحثاتی که با گروهی از منکران داشتیم پس از چند ساعت بحث و گفت‌وگو اعتراف کردند که ما از هر دری وارد بحث شدیم آن در به دری ما بسته شد و ما چاره‌ای جز تسلیم و اعتراف به وجود یک مبدأ عالم و قادر نداریم.» نیز در خاطره‌ای گفته‌اند: «یکی از این بزرگان مرحوم آیت الله فلسفی در حوزه علمیه مشهد بود که این افراد را مکرراً به بنده ارجاع می‌داد و این در حالی بود که فضل علمی ایشان بر کسی پوشیده نیست. جلساتی که در منزل ایشان برپا می‌شد به احترام ایشان مملو از جمعیت بود، بیشتر شرکت کنندگان هم حوزوی بودند. بنده به دلیل حضور حوزویان، با رعایت ادب مطالب عرفانی و فلسفی را مطرح و نقد می‌کردم و آمادگی خود را برای بحث با علاقه‌مندان اعلام می‌داشتم. روزی به مرحوم فلسفی عرض کردم آیا شما از مطالبی که بنده در منزل شما مطرح می‌کنم راضی هستید؟ ایشان فرمودند این مطالب خوب و حق است و سپس فرمودند: بد نیست برخی از دوستان شما که در این مسائل خبره نیستند، وارد این مباحث نشوند» (ر.ک: سمات، سال اول، ش ۲، تابستان ۸۹، ص ۱۲۵).

و بهره‌گیری از دانش‌های عقلانیت‌گستر اهل بیت علیهم‌السلام است. امروزه بهترین شیوه پاسخ‌گویی به شبهات و حمله‌های فکری مخالفان دین و مذهب، به کارگیری مضامین و روش اهل بیت علیهم‌السلام است و با احیای این روش به دور از التقاط‌های ناروا، می‌توان سنگر محکمی برای مصون‌سازی نسل جوان در مقابل انحرافات فکری بنا کرد.

آثار علمی آیت الله سیدان

از آیت الله سیدان آثار متعددی در قالب کتاب، مقاله، تقریر دروس و گفت‌وگو منتشر شده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:^۱

الف. کتاب‌ها

۱. الفوائد النبویة، مشهد: [بی‌نا]، پاییز ۱۳۸۰.
۲. میزان شناخت، مشهد: پیام طوس، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۳. دروس اعتقادی، مشهد: پیام طوس، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۴. بحثی تحلیلی در عقاید وهابیت پیرامون توسل، مشهد: یوسف فاطمه علیها‌السلام، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۵. سلسله مباحث عقاید: سنخیت، عینیت یا تباین، مشهد: یار سیران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۶. آیات العقائد، مشهد: ولایت، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۷. شرح الدرر النبویة فی نقد آراء فلسفیه، شارح: سید علی موسوی دریاباری، مشهد: ولایت، چاپ اول، ۱۳۹۱.

۱. این کتابنامه برگرفته از اثر آماده نشر آقای هادی ربانی با عنوان کتاب شناسی توصیفی مکتب تفکیک است.
 ۲. این کتاب تکمیل شده مقاله ایشان است در کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۰ (دی ۱۳۶۴)، ص ۱۳-۱۵.
 ۳. چاپ دیگر با این مشخصات: سلسله درسهای عقاید: حضرت آیت الله سید جعفر سیدان: مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی، قم، رقمی. این اثر با ترجمه عربی ماجد الکاظمی به سال ۱۳۹۰ منتشر شده است.

ب. تقریرات دروس

۱. معاد: از سلسله دروس استاد معظم حاج سید جعفر سیدان، به قلم جعفر فاضل، مشهد: نشر یوسف فاطمه، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲. رساله حدوث عالم: تقریرات درس استاد سید جعفر سیدان، به قلم جعفر فاضل.
۳. سلسله درسهای نقد و بررسی قواعد فلسفی: قاعده الواحد، سید جعفر سیدان، دفتر اول، قم: مدرسه آیت الله وحید خراسانی.
۴. سلسله دروس عنایت اختلافی مورد ابتلاء: شرح خطبه ۱۵۲ نهج البلاغه، مشهد: پیام طوس، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۵. فاعلیت حق: تقریرات درس سید جعفر سیدان، به قلم جعفر فاضل.
۶. جبر و تفویض: تقریرات درس سید جعفر سیدان، به قلم جعفر فاضل.^۱
۷. تفکر در ذات حق: تقریرات درس سید جعفر سیدان، به قلم جعفر فاضل خراسانی.
۸. تجلی و فناء فی الله: تقریرات درس سید جعفر سیدان، به قلم جعفر فاضل.
۹. بحث اراده: تقریرات درس سید جعفر سیدان، به قلم جعفر فاضل.
۱۰. بحث قدرت: تقریرات درس سید جعفر سیدان، به قلم جعفر فاضل.
۱۱. اصالت وجود یا ماهیت: تقریرات درس سید جعفر سیدان، به قلم جعفر فاضل.
۱۲. اتحاد عاقل به معقول: تقریر بحث سید جعفر سیدان، به قلم جعفر فاضل.
۱۳. بحثی پیرامون مسأله‌ای از معاد در محضر استاد جوادی آملی و استاد سید جعفر سیدان، گردآورنده: مهدی مروارید، مشهد: انتشارات ولایت، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱. همچنین با این مشخصات: سلسله درسهای معارف اهل بیت علیهم السلام: جبر و اختیار از دیدگاه مکتب وحی، فلسفه و عرفان، سید جعفر سیدان، قم: مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی، جلسه اول (۱۳۸۷/۷/۵) و جلسه دوم (۱۳۸۷/۸/۲)، ۳۲ ص، جلسه سوم (۱۳۸۷/۸/۹)، ۳۲ ص، جلسه چهارم (۱۳۸۷/۸/۱۶)، ۴۳ ص، رقی.

ج. مقاله‌ها

۱. «مکتب تفکیک چه می‌گوید؟»، سفیر، پیش شماره اول، (پاییز ۱۳۸۴)، ص ۶۷-۸۱.
۲. «الهیات در نهج البلاغه»، مکتب وحی، شماره اول، شماره ۵ (مرداد ۱۳۸۷)، ص ۱۸۵، و سال دوم، شماره ۶ (بهمن ۱۳۸۷)، ص ۹-۱۶، و شماره ۷ (مرداد ۱۳۸۸)، ص ۱۸۷، و شماره ۸ (آبان ۱۳۸۸)، ص ۱۸۷.
۳. «توحید»، دانشنامه امام علی علیه السلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ج ۲، ص ۴۳-۶۴.
۴. «توحید»، قیامت، سال ششم، شماره ۱ (بهار ۱۳۸۰)، ص ۳۳۲۵.
۵. «دیدگاه دین درباره فلسفه و عرفان: گزارش سخنرانی آیت الله سیدان در دانشکده علوم حدیث به مناسبت روز پژوهش»، محدث، شماره ۳۳-۳۴ (مهر و آذر ۱۳۸۸)، ص ۴۱-۴۳.
۶. «درآمدی بر اصول در مکتب تفکیک»، در جایگاه‌شناسی علم اصول: گامی به سوی تحول (گزارش، تحلیل و سنجش وضعیت علم اصول)، به کوشش سید حمیدرضا حسینی و مهدی علی‌پور، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ج ۱، ص ۳۶۷-۳۸۲.
۷. «قلمرو عقل در دین»، نور الصادق، سال دوم، شماره ۱۲ (زمستان ۱۳۸۸)، ص ۱۱-۳۳.
۸. «تفسیر مصباح الهدی نماد تلازم قرآن و عترت است»، رایحه، سال پنجم، شماره ۷۵ (۲۵ اسفند ۱۳۸۸)، ص ۱۳۲-۱۳۶.

د. تعلیقات

۱. بیان الفرقان فی توحید القرآن، شیخ مجتبی قزوینی، تعلیقات: سید جعفر سیدان، قم: دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۸.

۲. منهج الرشاد فی معرفة المعاد، ملانعیما طالقانی، تحقیق: محمد رضا عطایی، با برخی حواشی سید جعفر سیدان، مشهد: مکتبه الامام الرضا علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۸.

ه. گفت‌وگوها

۱. «مکتب تفکیک یا روش فقهای امامیه در گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین سید جعفر سیدان». گفتگو کنندگان: علی ملکی میانجی و رضاحق بنّاه، اندیشه حوزه، سال پنجم، شماره سوم (آذر و دی ۱۳۷۸)، صص ۶۷-۱۰۵.
۲. «فلسفه اسلامی: هستی و چیستی؛ گفتگو با استاد سید جعفر سیدان»، نقد و نظر، سال یازدهم، شماره ۱ و ۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)، صص ۳۲-۶۱.
۳. «مکتب مشهد: تفکیکی دوباره در گفتگو با آیت الله سید جعفر سیدان»، روزنامه همشهری، گفت‌وگو کنند: محمود فرجامی، شماره ۲۹۸۱ (یکشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۸۱)، صص ۱۶، و شماره ۲۹۸۲ (سه‌شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۸۱)، صص ۲۴.
۴. «نسبت عقل و وحی از دیدگان فلسفه و مکتب تفکیک»، نظریه پرداز: سید جعفر سیدان، هیأت نقد و بررسی: غلامرضا فیاضی و حمید پارسانیا، دبیر کرسی: محمد تقی سبحانی، کتاب نقد، شماره ۴۱ (زمستان ۱۳۸۵)، صص ۳۰۹-۳۵۰ و ادامه آن با این مشخصات: «بررسی نسبت عقل و وحی از دیدگاه فلسفه و مکتب تفکیک»، شماره ۴۲ (بهار ۱۳۸۶)، صص ۱۹۵-۲۴۸.
۵. «نقد تفکیک در گفتگو با استاد سید جعفر سیدان»، نگاه حوزه، بخش نخست، شماره ۱۰۰ (آذر ۱۳۸۳)، صص ۱۴۹-۱۵۴.
۶. «اسلام خود بنیاد: مکتب تفکیک در گفتگو با آیت الله جعفر سیدان»، گفتگو کننده: علیرضا سمیعی، روزنامه ایران (دوشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۸۷) صص ۱۰.
۷. «گفتگو با استاد سید جعفر سیدان»، پژوهش‌های قرآنی، شماره‌های ۹-۱۰ (بهار و تابستان ۱۳۷۶)، صص ۳۰۶-۳۱۷. نشر دوم با این مشخصات:

«بررسی روش تفسیری قرآن به قرآن در تفسیر المیزان: گفتگو با آیت الله سید جعفر سیدان»، مشهد، ۱۳۷۸، رقعی، ۲۶ ص.

۸. «گفتگو با آیت الله سید جعفر سیدان»، مفسر ربانی: مجموعه مقالات بزرگداشت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی، به کوشش جمعی از فضلاء خراسان، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۸، وزیری، ص ۷۴۷-۷۶۰.

۹. «گفتگو با آیت الله سید جعفر سیدان»، فقیه آزادگان: یادنامه فقیه وارسته، مدرس دوازده مرحوم آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی (م ۱۳۳۹ش)، ستاد بزرگداشت آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۷، وزیری، ص ۴۵-۵۲.

۱۰. «مکتب تفکیک و تمایزات آن با فلسفه و عرفان: گفتگو با آیت الله سید جعفر سیدان»، سمات، سال اول، شماره ۲ (تابستان ۱۳۸۹)، وزیری، ص ۱۱۴-۱۲۷.

اثر حاضر

اثر پیش رو حاصل جلسات درس استاد سیدان است که به صورت هفتگی بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ در مدرسه آیت الله گلپایگانی حوزه علمیه قم برگزار شده است. این مجموعه در چهار بخش سامان یافته است: در بخش کلیات مباحثی چون روش پژوهش در حوزه اعتقادات، تمایز تعقل با فلسفه‌ورزی و نسبت عقل و وحی مطرح شده است. در بخش دوم سه نظریه موجود درباره نسبت میان خالق و مخلوق؛ یعنی بینونت، سنخیت و عینیت بررسی و ارزیابی شده است. در بخش سوم دیدگاه کلامی درباره فاعلیت خدا (فاعل مختار) و نظریه فلسفی (خدا به مثابه علت تامه) بررسی و مقایسه شده است. بخش چهارم نیز به بازشناسی آرای مطرح درباره حدوث جهان اختصاص یافته است.

در فرآیند آماده‌سازی این اثر نخست مطالب استاد سیدان پس از هر جلسه تایپ می‌شد و جلسه بعد به صورت جزوه در اختیار متقاضیان قرار می‌گرفت. پس از اتمام دوره، جزوات در یک مجموعه فراهم آمد و اقدامات زیر بر آن انجام پذیرفت:

۱. تدوین و تبویب مجدد مطالب برای تبدیل شدن به کتاب؛

۲. مأخذیابی احادیث و منقولات؛

۳. استفاده از نوارهای درس استاد در مشهد مقدس در بحث حدوث عالم؛

۴. از آنجاکه در پایان هر جلسه پرسش و پاسخ انجام می‌شد، مطالب این بخش از شکل پرسش و پاسخ درآمد و پس از حذف مطالب تکراری مضمون آن‌ها در متن گنجانده شد.

در پایان از استاد سیدان (رید عَزَّه) که اجازه نشر این مجموعه را دادند و کلیه دانشورانی که در تدوین، تنظیم و آماده‌سازی آن همکاری داشتند، به ویژه آقایان اصغر غلامی و علی اکبر کوثری و مدیراستار محترم آقای محمد ربانی و نیز از ناشر فرهنگ پرور تشکر می‌نماید. امید است این اثر برای طالبان پژوهش‌های کلامی و اعتقادی سودمند باشد.

مشهد مقدس

مدرسه علوم دینی حضرت ولی عصر (عج)

زمستان ۱۳۹۰